

ارزیابی سروده‌های مذهبی شاعران برجسته‌ی شیعه در سده‌ی نهم هجری

سید محمود آبتی
مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان
حمزه پرنوئی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

در مقاله‌ی حاضر سعی بر آن است تا وضع شعر مذهبی شاعران برجسته‌ی شیعه در سده‌ی نهم هجری قمری مورد بررسی قرار گیرد. منظور از اشعار مذهبی چیست؟ اشعار مذهبی شعرهایی هستند که درباره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) سروده شده‌اند. در واقع پیش از این قرن هم اشعار مذهبی فراوانی در دست داریم، اما باید توجه داشت که این اشعار عمدتاً از سوی شاعران سنی مذهب سروده شده که بیش‌تر درباره‌ی پیام‌بر(ص) و خلفای راشدین و حضرت علی(ع) است. می‌توان گفت که از قرن نهم است که شاعران شیعه به طور گسترده به مدح و منقبت اهل بیت می‌پردازند و در سوگ شهدای حادثه عظیم عاشورا مرثیه‌سرایی می‌کنند و یا بعضی از آن‌ها منظومه‌هایی را به طور کامل به شرح وقایع زندگی یکی از امامان و مدح ایشان اختصاص می‌دهند. این رونق و شکفتگی در سرودن اشعار مذهبی توسط شاعران شیعه مذهب باعث ایجاد روندی مؤثر در تاریخ ادبیات مذهبی ایران گردید که تا به امروز هم ادامه دارد.

واژگان کلیدی: سده‌ی نهم، شعر فارسی، سروده‌های مذهبی، مذهب.

Email:

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۸

۱- مقدمه

سده‌ی نهم در تاریخ پر نشیب و فراز ایران یک دوره‌ی فرهنگی خاص است. این دوره که سراسر کشاکش و ستیز و جنگ و گریز است، دوره‌ی تیموری نام دارد و از نظر اوضاع اجتماعی و مذهبی ویژگی‌های خاصی دارد.

به روایت تاریخ، تیموریان اعم از سلاطین یا شاهزادگان این سلسله جز تیمور - که خوی غارت‌گری و خون‌ریزی داشت - مردمی معتدل و گاه مانند شاهرخ متدین و عدالت‌پیشه و فرهنگ‌دوست و ادب‌پرور بودند و ثروت فراوانی که در نتیجه‌ی غارت ممالک نصیب تیمور و اولاد و احفاد وی شده بود، وسیله‌ی خوبی برای توجه آنان به تجملات درباری و آباد کردن شهرها و ایجاد دربارها و در نتیجه توجه به اهل ادب و فرهنگ شد. اعتقاد سلاطین تیموری تا پایان عهدشان به مسائل دینی و ترویج احکام و بزرگداشت شعائر دینی به تبع **تزوکات تیموری** است، چه بسیاری مطالب مربوط به نشر دین و احترام سادات و علما و زهاد و گسترش قواعد شریعت در **تزوکات تیموری** توصیه شده است، چنان‌که در **تزوکات تیموری** آمده است: «مرتبه‌ی آل محمد را از جمیع مراتب برتر داری و تعظیم و احترام ایشان به جای آری و افراط را در محبت ایشان اسراف ندانی که هر چه از برای خدا باشد در آن اسراف نباشد.» (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۰۹)

طرفه آنکه تیمور برای خود رسالتی و مأموریتی در این باب قائل بود و به عبارت دیگر خود را یکی از مجددان دین قلمداد می‌کرد، تا آن‌جا که بعضی از فتوحات و جهان‌گشایی‌هایش را عنوان غزو می‌داد و در این تظاهر به دین و نیز دعوی تجدید دین، تیمور از بیان مورخ مخصوصش نظام الدین شامی عنوان خلافت‌پناه دارد «و به دعوی اطرافیان او و شاید خود او صاحب کرامت و مخصوص به تأیید آسمانی و ملحوظ به نظر عنایت ربّانی بود و این اعتقادات به دوره‌ی تیموری یک صبغه‌ی مذهبی خاص می‌بخشید.» (صفا، ۱۳۵۱: ۴۷) در **تزوکات تیموری** هم مذهبی از مذاهب مورد قبول مسلمین بر مذهبی دیگر برتری نیافته است، اگر چه دولت تیموری از رسمیت مذهب تسنن دفاع می‌کرد و در جلوگیری از طعن و نکوهش شیخین، که از سوی شیعیان صورت می‌گرفت، سخت‌گیری می‌نمود. شاهرخ و جانشینان او زیارت مشهد امام رضاع را از فرائض خود می‌دانستند و نسبت به سایر ائمه‌ی اثنی‌عشری نیز احترام بسیار می‌گذاشتند، تا آن‌جا که تصور اعتقاد سلاطین به تشیع می‌رفت. (سمرقندی، ۱۳۹۱: ۱۳۵۳)

عهد تیموری برای ترویج تشیع موقع مناسبی بود و شیعه‌ی اثنی‌عشری از این فرصت برای نشر عقاید و اظهار آزادانه‌ی اعتقادات خود به خوبی بهره برد، زیرا قدرتش به آن حد رسیده بود که از انزوا و انخزال بیرون آید و به حملات پی در پی به مذاهب اهل

تسنن و اثبات فساد عقیده‌ی آنان از راه سبّ شیخین و نظایر آن اقدام کند. «در اوایل دوره‌ی تیموری، شیعه از حسن اعتقاد واقعی یا ادعایی تیمور به "آل پیغمبر" و "ذرت و آل پیغمبر" ... و همچنین از احترام شگرفی که شاهرخ و جانشینان او نسبت به سادات می‌کرده و از حسن اعتقاد و تبجیلی که درباره‌ی ائمه‌ی اثنی‌عشر و بقاع آنان ابراز می‌داشته اند، چند بار استفاده کرده، کار را به استخفاف شیخین و سبّ آنان کشانیدند و پیداست که در انتقام گرفتن از زلمه‌ی اموی و لعن و قدح آنان هم هیچ کوتاهی نمودند.» (صفا، ۵۶: ۱۳۷۳) البته پادشاهان حنفی مذهب تیموری نیز از اظهار عناد با آنان ابا نداشته، و این کشاکش لفظی و تبلیغی در آثار ادبی این دوره به‌ویژه در اشعار و ابیاتی که طرفین در عیب‌جویی و بدزبانی نسبت به یک‌دیگر سروده‌اند، مشهود است. (شوشتری، ۳۱۸: ۱۳۳۷ و براون، ۷۵۷: ۱۳۳۹)

این مقدار تسامح و تساهل مذهبی در اوایل دوره‌ی تیموری خاصه احترامی که شاهرخ و جانشینان او نسبت به سادات داشتند موجب رواج ذکر مناقب و مدایح نسبت به آل‌پیامبر و ائمه‌ی اطهار شد و نه تنها شعر شاعران شیعی مذهب یا متمایل به تشیع این دوره چون ابن‌حسام، کاتبی، باباغانی، شاه نعمت‌الله ولی، محشون از مناقب و فضایل خاندان پیامبر^(ص) است، بلکه در اشعار شاعر سنی مذهب متعصبی چون جامی آن مایه احترام و تبجیل نسبت به ایشان شگفت‌آور است.

شعر مذهبی در بسیاری از قصاید قصیده‌گویان این دوره مبتنی بر ذکر مناقب پیامبر و ائمه‌ی دین است که معمولاً با غلو در ذکر اوصاف و مناقب و بیان اعتقادات مبالغه‌آمیز شعرا همراه است، چنان‌که ابن‌حسام یک دیوان کامل از قصاید و ترجیعات و ترکیبات در توحید و ستایش حضرت رسول و اهل بیت دارد و از شاعران دیگر این نوع مدایح یا مراثی دینی می‌توان از اهلی شیرازی، کاتبی، فغانی شیرازی، برندق خجندی و حتی جامی سنی مذهب نام برد.

شعر مذهبی و به‌ویژه شعر مذهبی شیعی این دوره را می‌توان مقدمه‌ی شیوع و حکومت این نوع شعری در دوره‌ی صفوی دانست. نکته‌ی دیگر آن‌که از جایی که تصوف، خاصه در این عهد، رنگ دینی گرفته و اختلافات بزرگ سده‌های پیشین میان صوفیه و متشرعین به ندرت اتفاق می‌افتد، چنان‌چه تمیز میان متشرعه و اصحاب طریقت در این دوره دشوار است، بنابراین شعر عرفانی نیز صبغه‌ی دینی یافته است و شطح و طامات و اباحی‌گری در آن رنگ باخته است. (معاشری، ۲۵۴: ۱۳۸۹)

وقتی دواوین شاعران بزرگ پارسی‌گوی را جستجو می‌کنیم، در می‌یابیم آن‌چه قسمت مهمی از ادبیات منظوم ما را به خود اختصاص داده، مناقب و مدایح مذهبی است. در بررسی احوال و آثار شاعران، مدایح مذهبی کارنامه اعتقادی ایشان محسوب می‌شود،

بنابراین هر یک برای ارائه‌ی کارنامه‌ی درخشان‌تر تلاش می‌کنند. از آن‌جا که در قرون اول زبان عربی زبان شعر و ادب بوده است، آثار ارزش‌مندی از این دوره در مدح اهل بیت به عربی باقی مانده، ولی نمونه‌های مادیح مذهبی در شعر فارسی تقریباً از قرن چهارم دیده شده است. «نخستین کسی که این قبیل شعرهای دینی و مذهبی را در پارسی دری سروده است، کسایی مروزی است که در قرن چهارم و پنجم هجری می‌زیست و شعر او در مدح حضرت علی^(ع) است:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار ...
(ناصر خسرو، نقل از: رستگار، ۱۷۰: ۱۳۸۰)

پس از این دوره، دیوان کم‌تر شاعری از منقبت اهل بیت به ویژه پیامبر^(ص) و حضرت علی^(ع) خالی است. در قرون پنجم و ششم با توجه به تسلط ترکان غزنوی و سلجوقی که مردمی متعصب و پای‌بند به تسنن و مخالف سرسخت شیعه بودند، مادیح ائمه‌ی معصوم^(ع) معمولاً بدون آشکار شدن نام شاعران بر زبان‌ها بود، چون کسانی که به مدح ائمه به خصوص علی^(ع) زبان می‌گشودند، در معرض آزار و اذیت شدید و گاه خطر مثله شدن و قتل قرار می‌گرفتند. با این همه شاعرانی بودند که در نهایت شجاعت و جسارت یا رندی و زیرکی، با توجه به مقتضای زمان، زبان به سرودن اشعاری در مدح و منقبت و مرثیه‌ی امامان می‌گشودند و در واقع این کار برایشان نوعی عبادت و جهاد محسوب می‌شد. از جمله شعرای برجسته‌ی این روزگار می‌توان از ناصر خسرو، قوامی رازی و... نام برد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- جای‌گاه ادبی - هنری اشعار مذهبی:

در مناقب و شعرهای مذهبی اندیشه‌های عالی انسانی و اخلاقی و صفات پسندیده و ممتاز بشری مطرح می‌شود، بنابراین می‌توان مناقب مذهبی را بخش اعظمی از ادبیات تعلیمی دانست و آن را قدم مهمی در پراکندن بذر اخلاق عملی به شمار آورد. اشارات بسیار به اصول مذهب شیعه، تاریخ اسلام و تاریخ انبیا، گذشته از این‌که نشان‌گر آگاهی و روشن‌بینی شعرای شیعه و ارزش و اهمیت دانش‌اندوزی در بین ایشان است، از مجموع مناقب، به خصوص حماسه‌های مذهبی، مجموعه‌ای ارزشمند برای علاقه‌مندان به تاریخ و اصول تشیع ساخته شده است.

۲-۲- عرفان و تصوّف در سده‌ی نهم:

بی‌شک جریان شعر عرفانی از جریان‌های ماندگار شعر فارسی است. «در قرن نهم، نخست به دلیل گرایش‌های مذهبی شاعران و سلاطین و سپس به دلیل رواج روزافزون

تصوف، مقوله‌ی "عرفان" در شعر نمود چشم‌گیرتری دارد و نکته‌ی جالب در شعرهای عرفانی این قرن، آن است که عرفان آن منطقی‌تر، معتدل‌تر و تجربی‌تر از دوره‌های گذشته بوده و به مقدار زیادی با زندگی روزمره هم‌سانی و نزدیکی پیدا می‌کند. (واردی، ۹۸: ۱۳۸۴) «متأسفانه پس از قرن هشتم هجری و بعد از ابن‌عربی، عطار و جلال‌الدین رومی و چند تن دیگر، تصوف، ظاهراً چیزی نو و اصیل در زمینه‌ی افکار به وجود نیاورد و اگرچه به ظاهر وسعت و انتشار یافت، ولی تنها با تکرار سخنان گذشتگان و افکار ایشان زنده مانده بود و به مرور زمان رو به انحطاط رفت. بدین ترتیب تصوف در سلسله‌های درویشان بیش از پیش و به طور روزافزون به فساد گرائیده و به صورت معجزه‌نمایی‌های مبتذل و پرستش‌اولیا و شیوخ زنده و مرده و مراقد و آثار ایشان درآمد. طریقه‌های صوفیان و درویشان و خانقاه‌ها مرکز پرستش و بزرگ‌داشت این‌گونه شیخان و منبع خرافات گوناگون و غالباً تعصبات مذهبی و گمراه‌کننده گردید.» (حقیقت، ۷۶: ۱۳۷۰)

از ممیزات مذهبی این دوره یکی شیوع فوق‌العاده‌ی تصوف و توسعه‌ی بساط فقر و درویشی و ازدیاد خانقاه‌هاست. «شاعران برجسته‌ی این جریان عبارتند از: شاه نعمت‌الله ولی، قاسم انوار، محمد شیرین مغربی و جامی. این جریان اگر چه اکنون چندان مورد توجه نیست و آن را جریان حاشیه‌ای می‌شمارند، اما در آن روزگاران و دوره‌های بعد سخت مورد توجه بوده است و سروده‌های شاعران آنها نه تنها در حلقه‌های صوفیه هواخواهان بسیاری داشته، که در میان مردم طبقات مختلف اجتماع نیز مخاطبان قابل توجهی پیدا کرده است. با این وجود شعر شاعران این دوره کاستی‌هایی هم داشته که باعث شده در دوره‌های بعد چندان توجهی بدان‌ها نشود که از جمله‌ی این کاستی‌ها می‌توان به نداشتن ابتکار و تقلیدی بودن، عدم وحدت فرم و محتوا، مصداقی بودن شعر و... اشاره کرد.» (عباسی، ۵۲: ۱۳۸۳) در حقیقت دشوار است که در این دوره اصحاب طریقت را از اصحاب شریعت با قاطعیت جدا کرد. چنین به نظر می‌رسد که معانی عرفانی و مضامین صوفیانه و مشرب درویشی عمومیت داشته، و کمتر شاعر یا دانشمندی را در این دوره می‌توان یافت که از ذوق عرفان بی‌بهره باشد و در این راه قدمی چند نرفته باشد. استاد صفا در تاریخ ادبیات خود می‌نویسد: «قرن نهم به سبب اعتقاد شدید شاهان و شاهزادگان تیموری به مشایخ صوفیه، یکی از دوره‌های مساعد برای رواج تصوف و نفوذ روزافزون صوفیه بود. خاصه که تصوف در این عهد تا حدودی رنگ دینی یافته بود و این امتزاج شریعت و طریقت سبب شد که مشایخ صوفیه در شمار متصدیان امور شرع درآیند و مردم از آنها در رفتار و کردارشان همان انتظار را داشته باشند که از عالمان شرع داشتند. از سوی دیگر از قرن هفتم به بعد که رفته رفته اصول تصوف و عرفان در کتاب‌های علمی و درسی وارد شد، این مشرب به تدریج از انحصار متصوفه بیرون آمد و اهل مطالعه و

صاحبان ذوق بر بسیاری از دقیقه‌های آن آگاهی یافتند و کم کم درویشی و اندیشه‌های درویشانه به مردم عادی سرایت کرد، تا آن‌جا که در قرن‌های نهم و دهم کم‌تر شاعر و نویسنده یا عالمی را می‌یابیم که جلوه‌هایی از عرفان در آثارش دیده نشود.» (صفا، ۶۷: ۱۳۷۳). «پیداست که احوال سیاسی ایران، هرج و مرج دائمی، تواتر شکست و ناکامی و نیز حمایت و تشویق زیاد از حد امرا و شاهزادگان تیموری از مشایخ و عرفا و علمای متصوّف، زمینه‌ی بسیار مساعدی برای پیشرفت و توسعه‌ی تصوّف در این دوره فراهم ساخت.» (پارشاطر، ۱۹: ۱۳۳۴)

۲-۳- ذکر مادیات و مناقب مذهبی در قرن نهم:

سده‌ی نهم از نظر پیشرفت و ترقی شعر مذهبی، به ویژه در آثار شاعران شیعه، از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی و ادبی است. جلوه‌های مذهب در شعر این دوره از نظر تعدد شاعران و نیز کثرت اشعار اعتقادی و مذهبی بسیار چشم‌گیر است. «در این دوره که به لحاظ تاریخی عصر تیموری نامیده می‌شود، به سبب ثروت بادآورده‌ی ناشی از غارت سرزمین‌ها توسط تیمور و احفاد او و ایجاد دربارهای باشکوه و روحیه‌ی فرهنگ‌دوستی و ادب پروری برخی از امرای تیموری چون شاهرخ، شعر و شاعری رونق بسیاری یافت. از سوی دیگر به سبب روحیه‌ی آسان‌گیری سلاطین تیموری نسبت به افکار و اعتقادات مذهبی اقوام دیگر، انقلاب عظیمی در افکار و آرای اهل عصر روی داد و در پرتو آزادی نسبی اختلاف ادیان و مذاهب در عرصه‌ی شعر نیز راه یافت، خاصه شاعران شیعه که پس از یک دوره‌ی طولانی انزوا و انخذاّل فرصت را مغتنم شمردند و در اشعار خود اعتقادات مذهبی خود را اظهار نمودند و گاه به طعن و رد و نکوهش عقیده‌ی مخالف پرداختند. از جمله‌ی این شاعران از اهلی شیرازی، قاسم انوار، ابن حسام، کاتبی و... می‌توان نام برد که دواوین ایشان مشحون از بیان اعتقادات و مدح و منقبت پیشوایان دین خاصه ائمه‌ی اطهار است، تا آن‌جا که شاعری چون جامی در یکی از مثنویهای خود اعتقادنامه دارد. این گونه است که شعر این دوره صبغه‌ی کاملاً دینی، خاصه شیعی دارد.» (معاشری، ۲۵۳: ۱۳۸۹)

« ذکر مناقب آل رسول و ائمه‌ی اطهار در اشعار این عهد امری است که نه تنها در قصاید غزایی از شاعران این زمان مانند ابن حسام، کاتبی، لطف‌الله نیشابوری، امیرشاهی، امیر حاج حسینی جناب‌دی، اهلی شیرازی و جز آنان دیده می‌شود، بلکه حتی سنیان متعصبی مانند جامی هم از اظهار احترام وافر در اشعار و خاصه در مثنویات خود نسبت به «اهل بیت» امتناع نداشتند و این معنی در آثار منثور این عهد هم، اعم از متون ادبی یا تاریخی به وفور ملاحظه می‌شود و این‌ها همه علائم و نشانه‌های تمایلی است که طرفداران سنت و جماعت به تدریج به طرف تشیع و امامان آن پیدا می‌کردند و دانسته یا نادانسته به تقویت طرف مقابل می‌کوشیدند.» (صفا، ۵۶: ۱۳۷۳) در این‌جا ذکر نکته‌ای بسیار مهم و

ضروری است و آن این‌که سرودن اشعار در مدح و منقبت ائمه‌ی شیعه مختص به سده‌ی نهم نیست، کما این‌که کسانی همانند کسایی مروزی، ناصر خسرو، فردوسی، قوامی رازی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ و ... هم اشعاری در وصف و مدح و مرثیه‌ی امامان شیعیان اثنی‌عشری به‌ویژه حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) داشته‌اند، اما باید گفت که رواج واقعی این نوع اشعار در همین عهد است که به دلایل آن قبل از این اشاره شد و نیز بسیاری از این شاعران خود شیعه نبوده‌اند و تنها از سر اعتقاد و ارادت، که از هر مسلمان آزاداندیش پاک منشی انتظار می‌رود، به این کار اهتمام ورزیده‌اند

۲-۴- مضامین شعر مذهبی در قرن نهم:

مهم‌ترین مضامین شعر مذهبی در این دوره حمد خداوند و ذکر وحدت و عظمت وی، نعت پیامبر^(ص)، ثنای ائمه به‌ویژه حضرت علی^(ع)، مناجات، توبه و استغفار، رثای ائمه خاصه امام حسین^(ع) و ذکر واقعه‌ی کربلاست.

۲-۴-۱- حمد خداوند:

حمد خداوند و ذکر وحدت و عظمت وی تقریباً در آغاز همه‌ی مثنویات دیده می‌شود و این شیوه‌ای رایج و قدیمی در مثنوی‌سرایی است. در بعضی غزلیات و رباعیات عارفانه نیز می‌توان ابیاتی در تعظیم خالق و یکتایی و بزرگی او یافت. نمونه‌ای از این مضمون را در اشعار شاه داعی و اهلی می‌بینیم:

که بخشیدی مرا یاری خدا
که گفتم ای خداوند جهان‌دار
به غیر از عذر لا احصی مرا نیست
(شاه داعی، ۱۸۴: ۱۳۳۹)

کسی چه شکر کند نعمت خدایی را
چه فسحت است و فضا ملک کبریایی را
در آمهات زمین نطفه‌ی سمایی را
(اهلی، ۴۱۲: ۱۳۴۴)

ستایش را سزاواری خدا
زبانم را روان کردی به گفتار
چه گویم هر چه می‌گویم ثنا نیست

به شکر حق که کند شکر حق ستایی را
چه کبریاست ندانم ز ملک تا ملکوت
کمال حکمت او می‌کند بنات نبات

۲-۴-۲- ثنای رسول اکرم^(ص):

این معنی مهم‌ترین مضمون شعر مذهبی این دوره است و قسمت عمده‌ی اشعار دینی به آن اختصاص دارد. در مدح پیامبر^(ص) شاعر از عظمت قدر و عزت او نزد خداوند و شرافت اسلام و جود و سخا و دلاوری و معجزات و کرامات او و عنایت او به عالم خلق و نیز معراج وی سخن می‌گوید و غالباً به اخبار و احادیث و آیات قرآنی اشاره می‌نماید. در این‌جا برای نمونه ابیاتی از اهلی شیرازی و مکتبی را که در ثنای حضرت پیامبر^(ص) سروده شده، نقل می‌کنیم:

خرّم دلی که مست وصال محمّد است
کی نقش بندد آن که مثال محمّد است
مرغ ضمیر وحی مقال محمّد است
پرواز جبرئیل به بال محمّد است
در آرزوی صفّ نعال محمّد است
(اهلی، ۴۲۴: ۱۳۴۴)

ماه افسر آفتاب مسند
سرخیل سپیدی و سیاهی
پیروزه نگین مهر شاهی
(مکتبی، ۱۲۹: ۱۳۷۳)

ما را چراغ دیده خیال محمّد است
هرگز نبست سایه‌ی او نقش بر زمین
مرغی که نامه‌ی احدیت به ما رساند
معراج قدر بین که در اوج هوای عرش
نعلین اگر چه بر سر گردون زند هلال

شاهنشاه انبیا محمّد
عنوان صحیفه‌ی الهی
آن سایه‌ی رحمت الهی

در بعضی از این گونه اشعار هم حمد خالق و نعت رسول (ص) و مدح خلفای راشدین و امامان شیعه توأم است که این گونه اشعار غالباً از شعرای سنی مذهب است.

۲-۴-۳- ثنای امام علی (ع):

از میان مدایح ائمه، قسمت اعظم آن در ثنای امیرالمؤمنین (ع) است. مدایحی که درباره‌ی امام اوّل شیعیان سروده شده، نماینده‌ی احساسات مذهبی و آرزوهای قهرمانی گویندگان و هم‌مسلمانان ایشان است. شور و گرمی و قوّتی که در این اشعار مشهود است در سایر اشعار دینی یافت نمی‌شود. اختلاف مذهبی شیعیان با دیگر فرقه‌های اسلامی و حمیت و غیرتی که اهل تشیع در تعلق به کیش خویش داشته‌اند، همه در مدایح امام اوّل علی (ع) فرصت بروز یافته است. مضمون این مدایح تعظیم و بزرگ‌داشت امیرالمؤمنین و دلاوری‌های او، صحت وصایت و ولایت او، محاسن صوری و معنوی او و مناقب خاندان اوست. از میان شعرای این دوره قاسم انوار، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی، شاه نعمت‌الله ولی و ابن حسام بیش از شعرای دیگر در مدح حضرت علی (ع) اشعاری سروده‌اند.

معنی «اتّما» علی ولی
سرور اولیا علی ولی
هست شیر خدا علی ولی
شاه هر دو سرا علی ولی
محرم کبریا علی ولی
خدمت مرتضی علی ولی
(شاه نعمت الله ولی، ۳۱: ۱۳۳۹)

شمع هدایت تویی، شاه سلام علیک
کاشف قرآن تویی، شاه سلام علیک

جام گیتی نمای علی ولی
در ولایت ولی والا قدر
ابن عمّ رسول و دامادش
به سه نان و سنان گرفت همه
مخزن گنج «کنت کنزاً» اوست
حضرت مصطفی رسول خدا

نور ولایت تویی، شاه سلام علیک
معدن احسان تویی، مظهر عرفان تویی

مقصود اقصا تویی، شاه سلام علیک خصم تو را رو سیاه، شاه سلام علیک قامع گبر و جهود، شاه سلام علیک جام تویی جم تویی، شاه سلام علیک (قاسم انوار، ۱۹۳: ۱۳۳۷)	جام مصفا تویی، شاه معلاً تویی صدر ولایت پناه، بنده‌ی توری ماه حضرت حق را ودود، مالک ملک شهود آیت محکم تویی، اعلم و احکم تویی
--	---

۲-۴-۴- ثنای ائمه‌ی دیگر:

گذشته از نعت رسول^(ص) و مدح امام علی^(ع)، ثنای دیگر ائمه‌ی شیعیان به‌ویژه امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع) را در میان اشعار به‌خصوص قصاید این زمان ملاحظه می‌کنیم. قصایدی که در منقبت سیدالشهدا^(ع) سروده شده و عموماً نیز با ذکر واقعه‌ی کربلا و شهادت آن حضرت توأم است، غالباً استادانه و تأثر برانگیز است و شعرا در آن جا آلام و مصائب باطنی خود و هم‌کیشان را در جامه‌ی تأسف و سوگواری بر واقعه‌ی کربلا آشکار ساخته‌اند. این گونه قصائد در دیوان لطف‌الله نیشابوری و بابا فغانی فراوان تر است. لطف‌الله نیشابوری قصیده و ترکیب‌بندی در منقبت امام رضا^(ع) دارد که مطلع آن ترکیب‌بند این بیت است:

رایت بیضا ز کوه طوس برآمد (کاشانی، ۹۳: ۱۳۸۶)	وقت سحر چون غریو کوس برآمد
---	----------------------------

همو قصایدی در مدح ائمه‌ی دوازده‌گانه دارد. از جمله قصیده‌ای است با این مطلع:
یا انت صدر المتّقین، یا انت بدر الاتّقیاء
(همان، ۹۳)

بابا فغانی نیز به دلیل زندگی پر فراز و نشیبی که داشته و تنبه و بیداری که در جوار بارگاه امام رضا^(ع) حاصل کرده، بیش از همه در منقبت آن حضرت شعر سروده است که نمونه‌ای از آن را در این جا ذکر می‌کنیم:

نشان خاتم سلطان دین ابوالحسن است ستاره‌ی شرف و آفتاب انجمن است شود نثار، یکایک به جای خویشان است همای ناطقه را مهر عجز بر دهن است (بابا فغانی، ۱۸: ۱۳۵۳)	خطی که یک رقمش آبروی نه چمن است علی موسی جعفر که مهر دولت او به نقش خاتم او گر هزار جوهر جان ز شرح میمنت خاتم همایونش
--	--

گویا بیت اول که مطلع قصیده‌ی اوست، نقش خاتم آستان آن حضرت شده است.
(همان، ۲۳)

در این جا باید به‌طور ویژه شاعر منقبت‌سرای این دوره یعنی محمد بن حسام‌الدین معروف به ابن‌حسام را یادآور شد که دیوانش سراسر مشتمل بر مدایح پیغمبر و آل

رسول (ص) خاصه علی بن ابیطالب (ع) است. وی از قصیده‌سرایان استاد و توانای این دوره محسوب می‌شود. او به غیر از مدایح پیغمبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع)، قصایدی در ستایش امام زمان (عج)، ثنای حضرت فاطمه زهرا (ص)، مدح امام حسن مجتبی (ع)، لعن ابن ملجم دارد. او هم‌چنین مخمّسی در مناقب آل عبا سروده است. گذشته از شعرایی که نامشان ذکر شد، مولانا حسن‌شاه و کاتبی نیز از شعرای شیعه و مادحین اهل بیت بوده‌اند.

۲-۴-۵- مناجات:

مناجات که از مضامین لطیف شعر فارسی است گاه در آغاز یا انجام مثنویات و گاه در ضمن بعضی قصاید مذهبی و عرفانی و گاهی در سایر انواع شعر دیده می‌شود. اعتراف به خطا و عجز و قصور خود و توسل به کرم و عنایت پروردگار و یا شفاعت رسول اکرم (ص) و ائمه و ذکر عظمت و عفو و احسان حضرت باری تعالی از مضامین شایع مناجات است. ابیات زیر از قصیده‌ای است از اهلی شیرازی:

الهی به سر دفتر حکمت الله	بنی آدم آیینی قدرت الله
الهی به شمع جمال محمد	که بر غیر زد آتش غیرت الله
الهی به نور علی آن که افراخت	به بازوی دین نبی رایت الله
الهی به خاصان که از رحمت عام	بر اهلی رسان پرتو رحمت الله

(اهلی، ۴۹۹: ۱۳۴۴)

۲-۴-۶- مرثی:

مرثی این دوره را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: اول مرثی دینی و مذهبی که بیش‌تر آن‌ها در ذکر واقعه‌ی کربلا و شهادت امام حسین (ع) و مصائب اهل بیت و شهادت امام رضا (ع) است. به‌ترین این نوع اشعار را می‌توان در دیوان ابن حسام یافت. از جمله قصیده‌ای است در رثای شهادت سیدالشهداء (ع) با این مطلع:

هر شام عکس خون شهیدان کربلاست	آن سرخی شفق که بر این چرخ بی‌وفاست
-------------------------------	------------------------------------

(ابن حسام، نقل از: شوشتری، ۶۶۸: ۱۳۳۷)

و باز این قصیده از اوست در همان معنی با این مطلع:

چشم فرات باز ز هجران کربلاست	جان تشنه‌ی شهید بیابان کربلاست
------------------------------	--------------------------------

(همان، ۶۷۰)

اما در میان شاعران این دوره اهلی بیش از دیگران در رثای پیشوایان دینی به‌ویژه امام حسین (ع) شعر سروده است، از جمله:

ماه محرم است و شد دجله روان ز چشم ما	بهر حسین تشنه‌لب، شاه شهید کربلا
تشنه‌لبان کربلا روی به خاک و تن به خون	ما پی آب روی خود، خاک بر آب روی ما

باشهدای کربلا لاف و فاهر آن که زد
گر نه شهید گریه شد، مدعی است بی وفا
بس که از آتش جگر گریه‌ی گرم می‌کنم
مردمک دو دیده‌ام، سوخته شد در این عزا
(اهلی، ۴۲۲: ۱۳۴۴)

دیگر مراثی عادی است که در مرگ اعضای خانواده، امرا و بزرگان و یاران سروده شده است که منظور بحث ما نیست.

گذشته از آن چه ذکر شد باید ذکر سوگواری محرم و ماه روزه و اعیاد مذهبی و بعضی از اصول و عقاید دینی که در اشعار آمده است را در زمره‌ی مضامین اشعار مذهبی یادآور شد. این قبیل مضامین را بیش‌تر در دیوان ابن‌حسام، لطف‌الله نیشابوری و شاه نعمت‌الله ولی می‌توان یافت.

که تا کنون از اشعار مذهبی ذکر شد، بیش‌تر از نوع قصیده بوده، اما باید دانست که این‌گونه مضامین در مثنوی و غزل هم کم نیست. در ابتدای مثنویات غالباً شاعر به حمد خدا و نعت رسول (ص) و مناجات می‌پردازد و این شیوه از قدیم در سرودن مثنویات معمول بوده است. نظامی و امیر خسرو دهلوی که مورد تقلید مثنوی‌سرایان این دوره‌اند، همین روش را داشته‌اند.

در دیوان شاه نعمت‌الله ولی و قاسم الانوار تبریزی به غزلیاتی که روح مذهبی و یا اساساً مضمون مذهبی دارند، برمی‌خوریم. غزل زیر از قاسم الانوار تبریزی را برای نمونه نقل می‌کنیم:

شریعت در طریقت مستعین است	شریعت راه فخر المرسلین است
شریعت شیوه‌ی مردان مرد است	شریعت شاه‌راه مستعین است
شریعت حکمت مردان راه است	شریعت قصه‌ی حبل‌المتین است
شریعت از امور اعتدالی است	شریعت شارع علم‌الیقین است
طریق شرع را خوف و خطر نیست	و گر باشد هم از دزدان دین است
به استحقاق بیشی کن در این راه	تو را گر فکر روز واپسین است
ز «قاسم» این سخن را یاد گیرد	دلی کو راست‌دان و راست‌دین است
	(قاسم انوار، ۷۸: ۱۳۳۷)

غزل زیر نیز از شاه نعمت‌الله ولی است که در آن در ضمن مدح پیامبر (ص) ذکر آیات قرآنی را التزام کرده است:

ورد صاحب‌ظران فاتحه‌ی روی تو باد	«قل هو الله احد» حرز دو ابروی تو باد
«جاء نصر الله» ای شاه چو بنمودی روی	آیت‌الکرسی تعویذ دو گیسوی تو باد
«والضحی» روی تو آمد، سر زلفت «واللیل»	آفرین بر سر زلف تو و ابروی تو باد
ترک «والشمس» که بر جمله‌ی افلاک شه است	«لیتنی کنت تراباً» زد و هندوی تو باد

«فتح و یس و تبارک» طرف آخر «حشر»
 این چهار آیت حق بندد و بازوی توباد
 دافع چشم بدان از رخ نیکوی توباد
 (شاه نعمت الله ولی، ۱۸۱: ۱۳۷۴)

۳- نتیجه گیری

همان گونه که ملاحظه شد ما در این جستار به بررسی مهم ترین مضامین در اشعار مذهبی شاعران شیعه مذهب در سده ی نهم پرداختیم که عبارتند از: حمد خداوند، ثنای رسول اکرم (ص)، ثنای امام علی (ع)، ثنای ائمه ی دیگر، مناجات و مراثی. این مضمون ها بیش تر در قالب قصیده و به پیروی از ساختار سنتی قصیده های مدحی سروده شده اند. از مجموع این تحقیق بدین نتیجه دست یافتیم که ثنای پیامبر (ص) مهم ترین مضمون شعر مذهبی این دوره است که به طور تقریبی ۳۵٪ درصد از کل این نوع اشعار را به خود اختصاص داده است.

ثنای امیرالمؤمنین (ع) دیگر مضمون مهم اشعار مذهبی سده ی نهم است که می توان گفت در حدود ۲۵٪ این نوع اشعار را شامل می شود. اختلافات مذهبی شیعیان با دیگر فرقه های اسلامی و غیرتی که اهل تشیع در تعلق به کیش خود داشته اند، همه در مدایح امام علی (ع) دیده می شود.

گذشته از نعت رسول (ص) و مدح امام علی (ع)، ثنای دیگر ائمه ی شیعیان به ویژه امام حسین (ع) و امام رضا (ع) را در میان اشعار به خصوص قصاید این زمان ملاحظه می کنیم. این مضمون در حدود ۱۵٪ اشعار مذهبی را در بر می گیرد.

اما حدود ۱۰٪ این نوع اشعار به مراثی دینی و مذهبی که بیش تر آنها در ذکر واقعه ی کربلا و شهادت امام حسین (ع) و مصائب اهل بیت و شهادت امام رضا (ع) است، اختصاص دارد.

حمد خداوند و مناجات هم از دیگر مضامین مهم سده ی نهم هستند که با توجه به گرایش های عمیق مذهبی شاعران این عصر، رنگ و لعاب مذهبی پیدا کرده اند و به همین جهت اندک تفاوتی با دوره های قبل پیدا می کنند. این دو مضمون نیز به ترتیب در حدود ۱۰٪ و ۵٪ اشعار مذهبی این عصر را به خود اختصاص داده اند.

نکته ی آخر این که با توجه به همه ی موارد ذکر شده و بررسی دیوان های شاعران این سده و مقایسه ی آن با سده های پیشین، این حقیقت آشکار می شود که جلوه های مذهب شیعی، شعر شاعران این دوره را رنگ و بوی خاصی بخشیده و بر بسیاری از اشعار آنان سایه افکنده است، چنان که این دوره را می توان به حقیقت آغاز رواج اشعار مذهبی

شیعیان دانست و به همین علت این دوره می‌تواند به مثابه‌ی یک دوره‌ی میانه و واسطه، میان دوره‌های گذشته که شاعران سنتی‌مذهب غالب بودند با دوره‌ی بعد یعنی سده‌ی دهم که صفویان شیعه‌مذهب تسلط پیدا می‌کنند، باشد و شناختن سبک دوره‌ی صفوی بدون شناختن شعر این دوره به درستی ممکن نیست. همه‌ی این موارد می‌تواند اهمیت زیاد سده‌ی نهم را در ادبیات فارسی به ویژه ادبیات مذهبی نشان دهد.

منابع

- ۱- انوار، قاسم. (۱۳۳۷). کلیات اشعار، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۲- اهلی شیرازی. (۱۳۴۴). کلیات شعر، به اهتمام حامد ربانی، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۳- بابا فغانی شیرازی. (۱۳۵۳). دیوان اشعار، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ سوم، تهران: اقبال.
- ۴- براون، ادوارد. (۱۳۳۹). تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی)، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، چاپ دوم، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.
- ۵- تربتی، ابوطالب. (۱۳۴۲). تزوکات تیموری، از روی چاپ ۱۷۷۳ شهر آکسفورد، تهران: انتشارات اسدی.
- ۶- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۴۱). دیوان کامل، ویراسته هاشم رضی، تهران: انتشارات پیروز.
- ۷- جعفریان، رسول. (۱۳۶۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز: انتشارات نوید.
- ۹- شاه نعمت‌الله، ولی ماهانی کرمانی. (۱۳۳۹). کلیات دیوان، به اهتمام محمود علمی، تهران: چاپخانه‌ی محمد حسن علمی.
- ۱۰- شاه نعمت‌الله، ولی ماهانی کرمانی. (۱۳۷۴). کلیات اشعار، به سعی دکتر جواد نوربخش، چاپ نهم، تهران: ناشر دکتر جواد نوربخش.
- ۱۱- شاه داعی، سید نظام‌الدین. (۱۳۳۹). دیوان اشعار، بخش دوم، تهران: به سرمایه‌ی کانون معرفت.
- ۱۲- شوشتری، سید نورالله. (۱۳۳۷). مجالس المؤمنین، ج ۲، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۵۱). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: انتشارات

ابن‌سینا.

- ۱۴- _____ (۱۳۷۳). **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۴، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۵- _____ (۱۳۵۱). **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- عباسی، حبیب‌الله. (۱۳۸۳). «قاصر از معنی نو، حرف کهن، بررسی اجمالی شعر عرفانی پس از مولوی (نیمه‌ی دوم قرن هشتم و نیمه‌ی نخست قرن نهم)»، **مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم**، سال دوازدهم، شماره‌ی چهل و پنج و چهل و شش، تابستان و پاییز، صص ۵۱-۸۶.
- ۱۷- کاشانی، تقی‌الدین. (۱۳۸۶). **خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار**، تصحیح عبدالعلی برومند و محمد حسین نیری کهنمویی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- ۱۸- لمب، هارولد. (۱۳۳۴). **تیمور لنگ**، ترجمه‌ی علی جواهرکلام، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی امیر کبیر.
- ۱۹- مصطفی‌الشیبی، کامل. (۱۳۵۹). **تشیع و تصوف**، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۰- معاشری، محبوبه. (۱۳۸۹). «جلوه‌های مذهب در شعر سده‌ی نهم»، **هم‌اندیشی زبان و ادبیات فارسی در سده‌ی نهم**، بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، صص ۲۷۳-۲۵۳.
- ۲۱- مظفر، محمد حسین. (۱۳۶۸). **تاریخ شیعه**، ترجمه‌ی سید محمدباقر حجتی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
- ۲۲- مکتبی شیرازی. (۱۳۷۳). **لیلی و مجنون**، تصحیح جوهره بیک نذری، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- ۲۳- واردی، زرین. (۱۳۸۴). «مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم»، **مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره‌ی بیست و دوم، شماره‌ی اول، صص ۹۱-۱۱۰.
- ۲۴- هدایت، رضاقلیخان. (۱۳۳۶). **مجمع الفصحاء**، به‌کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیر کبیر.
- ۲۵- یار شاطر، احسان. (۱۳۳۴). **شعر فارسی در عهد شاهرخ**، نیمه‌ی اول قرن نهم یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، تهران: دانشگاه تهران.